

درباره فراخوان اتحادیه های جهانی

از سوی بخش حقوقی کنفدراسیون جهانی اتحادیه های مستقل کارگری (ICFTU) اطلاعیه ای با خطاب "دوستان عزیز" و عنوان "ایران: روز جهانی اکسیون اتحادیه ای، چهارشنبه ۱۵ فوریه ۲۰۰۶" (Iran: International Day of Trade Union Action, Wednesday 15 February 2006) منتشر شده که در آن آمده است: "پیرو پیام ما به تاریخ اول فوریه درباره ادامه سرکوب سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و به ویژه دستگیری صدها تن از شرکت کنندگان در اعتصاب ۲۸ ژانویه، ما اکنون به شما می نویسیم تا تایید کنیم که از تمام اتحادیه های وابسته و فدراسیون های اتحادیه ای جهانی Global Unions Federations می خواهیم که در روز چهارشنبه ۱۵ فوریه ۲۰۰۶ به عنوان روز جهانی اکسیون اتحادیه ای در ایران به هم بپیوندند. این فراخوان از سوی اتحادیه های جهانی Global Unions (که GUF، ICFTU و TUAC-OECD را نمایندگی می کند) صادر شده است."

اطلاعیه سپس با اشاره به وضعیت کارگران دستگیر شده سندیکای شرکت واحد، اعتصاب غذای برخی از آنان و خفقانی که "مقامات شهر" و "مدیریت شرکت واحد" برای جلوگیری از پخش خبر این سرکوب به وجود آورده اند، و نیز اعتراض هایی که در این مورد از طرف اتحادیه های کارگری صورت گرفته است، چنین ادامه می دهد: "ما سازمان های اتحادیه ای در تمام کشورهای میزبان سفارت ایران را ترغیب می کنیم که از سفیر ایران در کشورشان قرار ملاقات بخواهند و/یا در بیرون از محوطه سفارت تجمع اعتراضی برگزار کنند."

اطلاعیه سپس شعارهای زیر را برای تجمع های مورد نظر خود مطرح می کند:

"الف- به رسمیت شناسی حقوق اتحادیه ای در ایران!

(Recognize trade unions rights in Iran)

ب- آزادی منصور اسانلو و تمام دستگیرشدگان سندیکای شرکت واحد!

پ- مدیریت شرکت واحد به حقوق اتحادیه ای احترام بگذارد!

ت- اجرای فوری قرارداد دسته جمعی در شرکت واحد!

ث- پرداخت فوری دستمزدهای معوقه به اعضای سندیکای شرکت واحد!"

(Pay wage arrears to Vahed's unionists now)

به این ترتیب روشن می شود که، برخلاف های و هوی و جنجالی که سندیکالیست ها و سکتاریست های وطنی راه انداخته اند، در این اطلاعیه نه سخنی از "روز جهانی دفاع از کارگران

ایران" به میان آمده، نه "به رسمیت شناختن حق تشکل مستقل کارگران در ایران" مطالبه شده و نه "پرداخت دستمزدهای عقب افتاده کلیه کارگران" درخواست شده است. چنان که پیداست جز در مورد شعار اول، شعارهای دیگر فقط و فقط در مورد **سندیکای** شرکت واحد (آن هم فقط چند مطالبه آن) است، و شعار اول نیز برای کل کارگران ایران صرفاً خواهان به رسمیت شناسی حقوق **اتحادیه ای** شده است. به عبارت دیگر، در بهترین حالت، اطلاعیه فقط و فقط از یک گرایش خاص درون جنبش کارگری ایران یعنی گرایش سندیکالیستی و یک نوع خاص از تشکل کارگری یعنی ترید یونیون (اتحادیه یا سندیکا) دفاع کرده است. در حالی که سندیکالیست ها و سکتاریست های وطنی عوام فریبانه آن را به عنوان دفاع از کل **کارگران ایران** و مطالبه به رسمیت شناسی هرگونه **تشکل مستقل کارگری** برای کارگران ایران جا زده اند.

بی تردید، باید از سندیکای شرکت واحد دفاع کرد. باید سرکوب و وحشیانه اعتصاب کارگران این سندیکا و دستگیری گسترده آنان را محکوم کرد. باید آزادی منصور اسانلو و تمامی دستگیرشدگان و نیز بازگشت به کار همه آنان را طلب کرد. اما در همان حال باید از اتحادیه های جهانی که فراخوان فوق را داده اند نیز پرسید: چرا از مطالبات تمام کارگران ایران دفاع نکرده اید؟ چرا از انبوه مطالبات طبقه کارگر ایران فقط به تشکل آن هم فقط نوع خاصی از آن که برای سرمایه قابل تحمل است اکتفا کرده اید؟ چرا از حق ایجاد هرگونه تشکل کارگری دفاع نکرده اید؟ آیا شما در این مورد حتی از مقاله نامه ۸۷ سازمان جهانی کار نیز عقب نمانده اید؟ چرا از نفس اعتصاب کارگران شرکت واحد دفاع نکرده اید؟ چرا از حرکات کارگرانی که در دهه ۶۰ و سال های اخیر کشته یا دستگیر یا محکوم به زندان شده اند دفاع نکرده اید؟ چرا در مقابل یک دفاع از حقوق کارگرانی که در سال های اخیر دستگیر و به زندان محکوم شده اند (که البته به جای خود مغتنم است مشروط بر آن که کارگران را نسبت به شما متوهم نکند)، آن هم صرفاً به صورت نامه های فدایت شومی که مقامات جمهوری برای آن ها پیشیزی ارزش قائل نشده اند، چندین بار این کارگران را اتحادیه گرا و سندیکالیست خوانده اید نکند که از طرف سرمایه و دولت سرمایه داری به رادیکالیسم متهم شوید؟ چرا اگر واقعاً خود را نماینده ۱۵۰ میلیون کارگر می دانید این توده های میلیونی را به حمایت واقعی (و نه کاغذی) از کارگران ایران - حتی به صورت چند دقیقه دست از کار کشیدن - فرا نمی خوانید؟ و ده ها چرای دیگر.

پاسخ این پرسش ها برای من و هر فعال کارگری ضد سرمایه داری روشن است: تشکل هایی نظیر ICFTU به مثابه تشکل های مدافع جناحی از سرمایه داری جهانی فقط از آن نوع مطالبات طبقه کارگر، آن نوع تشکل کارگری و آن نوع گرایش کارگری دفاع می کنند که سرمایه بتواند آن ها را به راحتی کنترل و مهار کند. این تشکل ها به هیچ وجه از حرکات ضد سرمایه داری کارگران دفاع

نکرده، نمی کنند و نخواهند کرد : نه در این جا از نفس اعتصاب کارگران شرکت واحد برای رسیدن به مطالباتشان دفاع کرده اند، نه در مورد دستگیری کارگران سقز از نفس به خیابان آمدن کارگران برای برگزاری مراسم اول ماه مه حمایت کردند، و نه از حرکت دلاورانه کارگران شهر بابک که در یورش به نهادهای نگهبان سرمایه به خاک افتادند سخنی به دفاع گفتند.

اما حال که اتحادیه های جهانی چنین ماهیتی دارند آیا باید این فراخوان آن ها را تحریم کرد و در آن شرکت نکرد؟ به هیچ وجه. به نظر من، طبقه کارگر ایران باید از هرگونه فشار- حتی فشار این یا آن جناح از سرمایه جهانی- به جمهوری اسلامی برای رعایت حقوق کارگران استقبال کند. اما نباید به عامل این فشار کوچک ترین توهمی داشته باشد. اختلاف امثال ICFTU با جمهوری اسلامی از مقوله اختلاف جناح های مختلف سرمایه است و کارگران در این دعوا نباید زیر پرچم هیچ یک از آن ها بسیج شوند، ضمن آن که باید از آن حد از هوشیاری و زیرکی برخوردار باشند که از این اختلاف به سود خود استفاده کنند. به عبارت دیگر، در این روز می توان و باید تجمع اعتراضی برگزار کرد اما نه با پرچم مطالبات بس تقلیل گرایانه اتحادیه های جهانی بلکه با مطالبات مستقل، رادیکال و ضد سرمایه داری که سال ها است بر پرچم مبارزه طبقه کارگر ایران نقش بسته است. صف کارگران ایران صفی ضد سرمایه داری است که باید استقلال خود را نه فقط در برابر سرمایه داری جمهوری اسلامی بلکه در مقابل تشکل های جهانی مدافع سرمایه نیز حفظ کند.

محسن حکیمی

۸۴/۱۱/۲۴